



# در آمدی بر مبانی کلامی تاریخ‌نگاری اسلامی

مصطفی صادقی کاشانی  
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
زمستان ۱۳۹۷

صادقی کاشانی، مصطفی، ۱۳۴۸-  
درآمدی بر مبانی کلامی تاریخ‌نگاری اسلامی / مصطفی صادقی کاشانی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.  
هشت، ۱۷۵ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۷۴: تاریخ؛ ۱۰۷)  
بها: ۱۸۰۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.  
کتابنامه، ص. [۱۴۹] - ۱۶۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.  
۱. تاریخ‌نویسی اسلامی. ۲. Islam -- Historiography. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.  
۹۰۹/۰۹۷۶۷۱ DS۲۵/۶۳/ص ۱۷د۴ ۱۳۹۷  
شماره کتابشناسی ملی  
۵۵۶۸۲۸۸



## درآمدی بر مبانی کلامی تاریخ‌نگاری اسلامی

مؤلف: مصطفی صادقی کاشانی (استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

[www.rihu.ac.ir](http://www.rihu.ac.ir)

[info@rihu.ac.ir](mailto:info@rihu.ac.ir)

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره» بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۵۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع اصلی کمک درسی برای دانشجویان رشته‌های تاریخ، کلام و الهیات در مقطع تحصیلات تکمیلی و نیز طلاب سطح دو رشته تاریخ اسلام فراهم آمده است که البته دیگر علاقه‌مندان به مطالعات تاریخ، کلام و حدیث نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی صادقی کاشانی و نیز از ناظر محترم دکتر نعمت‌اله صفری فروشانی سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

### فصل نخست: کلیات و مفاهیم

۱	مقدمه
۳	پیشینه تحقیق
۵	مشکلات و محدودیت‌ها
۶	بررسی منابع
۶	۱. منابع کلامی
۱۰	۲. منابع حدیثی
۱۱	۳. منابع تاریخی
۱۲	کتاب تاریخی - کلامی
۱۳	مفهوم‌شناسی
۱۳	۱-۲. کلام و عقاید
۱۷	مرز کلام و کلام‌نما
۱۸	۳. محدثان متکلم
۱۹	۴. تاریخ

### فصل دوم: رابطه کلام و تاریخ

۲۱	گفتار اول: عرصه‌های تعامل
۲۲	الف) نیاز کلام به تاریخ
۲۴	ب) نیاز تاریخ به کلام
۲۶	گفتار دوم؛ شناخت گزاره متقدم
۲۷	الف) تقدم گزارش‌های تاریخی
۲۸	ب) تقدم گزاره‌های کلامی
۳۱	گفتار سوم: سکوت تاریخ
۳۲	الف) تعداد پیامبران

۳۳	.....	ب) موحد بودن نیاکان انبیا.....
۳۷	.....	ج) منصب باییت برای امامان.....
۳۸	.....	د) سلامت از حیض.....

### فصل سوم: تاریخ‌نگاری اهل سنت بر اساس مبانی کلامی

۴۳	.....	مقدمه.....
۴۵	.....	گفتار ۱. عدالت صحابه.....
۴۵	.....	۱-۱. بحث کلامی.....
۴۸	.....	۱-۲. بحث تاریخی.....
۴۹	.....	الف) عبور از اخبار قدح.....
۴۹	.....	۱. داستان حدیث رأیت در خیبر.....
۵۱	.....	۲. پیشیمانی ابوبکر از گشودن خانه فاطمه.....
۵۲	.....	۳. شک در دین.....
۵۳	.....	۴. اشاره رسول خدا ﷺ به کینه‌های مردم به علی (علیه السلام).....
۵۳	.....	۵. سمره بن جندب.....
۵۴	.....	۶. شراب‌خواری معاویه و ولید.....
۵۵	.....	موارد دیگر.....
۵۷	.....	ب) گزارش بر اساس مینا.....
۵۷	.....	۱. موضع صحابه در جنگ بدر.....
۵۸	.....	۲. تخلف از جیش اسامه.....
۵۹	.....	۳. تبدیل لعن به رحمت.....
۶۰	.....	گفتار ۲. عدم نصب جانشین.....
۶۱	.....	الف) در بیان علی (علیه السلام) و عباس.....
۶۳	.....	ب) در بیان خلفا.....
۶۶	.....	ج) از قول اهل بیت و اصحاب.....
۶۷	.....	گفتار ۳. برتری خلفا.....
۶۹	.....	دسته نخست: برتری بر امت.....
۶۹	.....	الف) از زبان پیامبر و علی (علیه السلام).....
۷۲	.....	ب) سبقت در اسلام.....
۷۴	.....	ج) برتری بر علی (علیه السلام).....
۷۵	.....	دسته دوم: ترتیب فضیلت.....
۷۸	.....	عشره مبشره.....

### فصل چهارم: تأثیر عقاید شیعه در تاریخ‌نگاری

۸۰	.....	گفتار نخست: کلام.....
----	-------	-----------------------

۸۰	..... علم	۱
۸۰	..... الف) مبنای کلامی	
۸۵	..... ب) گزارش تاریخی	
۸۸	..... عصمت	۲
۸۹	..... سهو معصوم در کلام و تاریخ	
۹۳	..... ۳. نص بر اعیان ائمه <small>علیهم السلام</small>	
۹۶	..... بخش تاریخی	
۹۹	..... گفتار دوم: احادیث اعتقادی	
۱۰۰	..... ۱. ولایت تکوینی	
۱۰۵	..... ۲. تجهیز امام پیشین	
۱۰۷	..... بررسی روایی	
۱۱۱	..... بررسی تاریخی	
۱۱۲	..... اول، شهادت دور از وطن	
۱۱۲	..... ۱. امام حسین <small>علیه السلام</small>	
۱۱۵	..... ۲. امام کاظم <small>علیه السلام</small>	
۱۱۷	..... ۳. امام رضا <small>علیه السلام</small>	
۱۱۹	..... ۴. امام جواد <small>علیه السلام</small>	
۱۱۹	..... دوم، ائمه حاضر در وطن	
۱۲۰	..... ۱. امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>	
۱۲۱	..... ۲. زین العابدین <small>علیه السلام</small>	
۱۲۲	..... ۳. امام صادق <small>علیه السلام</small>	
۱۲۳	..... ۴. امام هادی <small>علیه السلام</small>	
۱۲۴	..... ۵. امام عسکری <small>علیه السلام</small>	
۱۲۵	..... جمع‌بندی	
۱۲۷	..... ۳. شهادت معصومان <small>علیهم السلام</small>	
۱۲۷	..... حدیث اعتقادی	
۱۳۰	..... بررسی تاریخی	
۱۳۴	..... ۴. ارتداد پس از پیامبر	
۱۳۶	..... گفتار سوم: کلام‌نما	
۱۳۶	..... ۱. روابط ائمه با خلفا	
۱۴۱	..... ۲. تفاوت روحیات ائمه	
۱۴۳	..... ۳. صالح بودن ذریه	
۱۴۵	..... ۴. رأس‌الحسین	
۱۴۷	..... نتایج	

### فهرست منابع و مآخذ

۱۴۹	.....	الف) کتاب‌ها
۱۶۱	.....	ب) مقالات

### نمایه‌ها

۱۶۵	.....	نمایه آیات
۱۶۶	.....	نمایه روایات
۱۶۸	.....	نمایه اشخاص
۱۷۴	.....	نمایه کتاب‌ها



## فصل نخست

### کلیات و مفاهیم

#### مقدمه

بحث از رابطه کلام یا عقاید و تاریخ اگرچه موضوعی تازه نیست، به دلیل رونق یافتن مباحث تحلیلی در تاریخ اسلام در دوره اخیر، نیاز بیشتری به آن احساس شده و بحث‌هایی درباره آن آغاز شده است. بزنگاه این بحث، تاریخ مقدس و نقدناپذیر است که در میان اهل سنت درباره زندگی صحابه و در تاریخ تشیع درباره ائمه (علیهم‌السلام) نمود بیشتری دارد. مباحث و بررسی‌ها درباره دو دانش کلام و تاریخ یا آموزه‌های اعتقادی و گزارش‌های تاریخی دارای خلأ جدی است و در مطالعات و تحقیقات کمتر به این موضوعات پرداخته شده است.

کلام اسلامی از اتقان برخوردار است و متکلمان مسلمان با تکیه بر عقل و نقل قطعی یا معتبر، به تبیین گزاره‌های کلامی پرداخته و در طول بیش از هزار سال آن را تدوین و تکمیل کرده‌اند؛ اما در این میان گزاره‌هایی کلام‌نما یا احادیثی هست که هرچند کلام تلقی شده و شهرت بسیاری در میان آموزه‌های دینی مسلمانان یافته، در کلام قطعی جایی ندارد و متکلمان در آثار خود از آن سخن نگفته‌اند. از سوی دیگر در میان فرقه‌های مختلف اسلامی، روایات و گزارش‌هایی تاریخی وجود دارد که با این عقاید سازگار نیست. اگر این روایات و حکایت‌ها در منابع نامعتبری یافت شود، ردّ و نفی آن مؤونه‌ای نخواهد داشت؛ اما اگر این رویداد با منابع معتبر و شواهد تاریخی تأیید شود، به مسئله‌ای علمی تبدیل خواهد شد؛ هرچند ممکن است خود مورخ یا متکلم، راهی و مبنایی برای حل این مسئله داشته باشد و از آن عبور کند.

کتاب پیش رو درصدد است گامی هرچند ناچیز در این زمینه بردارد و درآمدی بر این‌گونه مباحث و مطالعات باشد. طبیعی است به دلیل کمی پیشینه در این موضوع و در آغاز راه بودن، کاستی‌هایی در آن وجود داشته باشد و زاویه نگاه نگارنده تنها بخشی از این موضوع را در بر گیرد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چه گزارش‌هایی از تاریخ مسلمانان بر اساس مبانی کلامی یا احادیث اعتقادی آنان تدوین شده است. برای پاسخ به این سؤال، مروری خواهد شد بر بخشی از مبانی کلامی و اعتقادات مسلمانان شیعه و سنی که مرتبط با رویدادهای سده‌های نخست تاریخ اسلام است و می‌تواند در تاریخ‌نگاری اسلامی تأثیرگذار باشد. روشن است این نوشتار درصدد استقصای همه مبانی و گزارش‌های متأثر از آن نیست، بلکه پیش‌درآمدی بر پاسخ به مسئله طرح‌شده و بیان نمونه‌های آن خواهد بود. امید است این وجیزه، انگیزشی برای محققان کلام، حدیث و تاریخ ایجاد کند تا بیشتر به حل این مسئله بپردازند.

مدعای تحقیق آن است که بی‌تردید برخی مبانی کلامی و احادیث اعتقادی و باورهای خرد و کلان مورخان در تنظیم و تدوین گزارش‌های تاریخی تأثیر داشته است. این تأثیرگذاری گاه در شکل جعل و تحریف و گاه در شکل حذف و سکوت خود را نشان داده و اختصاصی به مذهب خاص ندارد. مهم‌ترین این باورها را می‌توان عدالت صحابه در اهل سنت و فرابشری بودن چهارده معصوم علیهم‌السلام در شیعه دانست که بر بسیاری از روایات تاریخی سایه افکنده است.

از آنجاکه پیش‌فرض‌ها و عقاید شخصی مورخان در تدوین تاریخ اثرگذار بوده، این نوشتار می‌تواند با بیان گرایش‌های مذهبی آنان، رگه‌هایی از تحریف و جعل ناخواسته اخبار را نشان دهد که مورخ یا نویسنده نتوانسته است از نقل آن صرف‌نظر کند؛ زیرا آن را مطابق باورهای خود دیده و دلیلی بر نادرستی آن نیافته است. نمونه بارز این موضوع در فریقین، روایات مبتنی بر مناقب و مثالب است. مورخان با هر گرایش مذهبی، به راحتی فضایل و مناقب را که درباره پیشوایان دینی یا شخصیت‌های مورد احترام آنان بیان شده، نقل می‌کنند و همین برخورد را درباره مطاعن مخالفان و دشمنان اعتقادی خود روا می‌دارند. به دلیل اینکه با مبانی کلامی و باورهای اعتقادی آنان همخوانی دارد، این گزارش‌ها چه درست باشد و چه نباشد. نمونه دیگر را می‌توان در اخبار متعارض درباره صحابه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دید. دسته‌ای از روایات به عملکرد ظالمانه اشاره کرده‌اند؛ ولی دسته‌ای دیگر آنها را با اعمالی نیکو تطهیر یا دست‌کم در نقل رفتار نادرست آنها سکوت کرده‌اند. این برخورد مورخان می‌تواند برگرفته از مبنای کلامی عدالت صحابه باشد.

تحقیق حاضر به لحاظ منابع، قلمرو زمانی خاصی ندارد؛ زیرا هر منبع متقدم یا کتاب متأخر می‌تواند مستند دخالت دادن مبانی کلامی در بیان گزارش‌های تاریخی قرار گیرد؛ اما به لحاظ متن تاریخ و اصل رویدادها محدود به سه قرن نخست هجری است؛ زیرا این دوره، دوره تدوین و نقل

حدیث و شکل‌گیری و سامان‌دهی اندیشه‌های کلامی مسلمانان است. از سوی دیگر پیشوایان فرق و مذاهب مختلف اسلامی در این دوره زیسته‌اند. امامان شیعه در این دوران حضور داشته‌اند و صحابه و خلفا که شخصیت‌های مورد اهتمام مسلمان و مورد احترام اهل سنت هستند نیز مربوط به این عصرند. بنابراین محدوده زمانی تحقیق، سه قرن نخست خواهد بود.

هدف این نوشتار، اصلاح گزارش‌هایی است که مورخان و پیروان بعدی ایشان بر اساس باورهای خود نوشته‌اند. هدف دیگر کمک به تفکیک تاریخ و کلام است با نشان دادن مواردی از نقش آموزه‌های کلامی و اعتقادی در تاریخ. هر دانشی در جای خود کاربرد دارد و باید در چارچوب و با شیوه تخصص خود قدم و قلم بزند. اگر گزارش تاریخی با کلام اصیل و آموزه‌های قطعی تعارض پیدا کند، تاب مقاومت ندارد؛ اما هرگونه باوری نمی‌تواند در برابر گزارش‌های تاریخی بایستد و با گزاره‌های اعتقادی غیرقطعی نمی‌توان تاریخ را ساخت. در بسیاری از موارد، روایات تاریخی با باورهایی مقایسه و ارزیابی می‌شود که خود آن باورها مبتنی بر گزارش‌هایی از تاریخ است که به اعتقاد تبدیل شده و دلیلی بر رجحان آن بر دیگر گزارش‌ها نیست یا منشأ آن اعتقاد، روایت یا گفته‌ای است که به عنوان باور شهرت یافته؛ اما در کلام قطعی و نزد متکلمان محل گفتگوست؛ چنان‌که گزاره‌ای نزد متکلمان اولیه محل اختلاف بوده؛ ولی امروزه به هر دلیلی برای ما قطعی تلقی می‌شود.

مباحث حاضر می‌تواند انگیزه‌ای شود تا متخصص کلام و حدیث بار دیگر مقولات کلامی و احادیث اعتقادی را بررسی کند و فراتر از توجیه داده‌های تاریخی معارض با آن مبانی، به سازگاری آنها بیندیشد. همچنین تحلیلگر تاریخ اسلام به جای قلع و قمع گزاره‌های کلامی، با تحقیق و تحلیل عمیق‌تر، در رد آنها شتاب نکند، بلکه آنچه ممکن است محل رد و قبول باشد، گزاره‌هایی است که کلام واقعی به شمار نمی‌رود و چه بسا هیچ متکلمی از آن سخن نگفته است.

### پیشینه تحقیق<sup>۱</sup>

برای این بحث با سؤالات و سرفصل‌هایی که در نظر دارم، پیشینه‌ای نیافتم. به‌علاوه بحث اینجا

---

۱. این نوشتار از سال ۱۳۹۱ کلید خورد و طبعاً پیشینه‌ای که ذکر می‌شود، تا قبل از این تاریخ است. با این حال تا زمان آماده شدن برای نشر، تلاش شد از آخرین آثار و تحقیقاتی که درباره بخش‌هایی از این موضوع است، استفاده و دست کم بدان ارجاع داده شود.

اعم از کلام و آموزه‌های اعتقادی و حدیثی است؛ در حالی که آثار مرتبط و مشابه، از رابطه کلام رسمی با تاریخ سخن می‌گویند و به احادیث اعتقادی و باورهای عمومی نمی‌پردازد. برخی از این پیشینه که بدان دست یافتیم، چنین است:

۱. علم الکلام و التاريخ؛ اشکالیه العقیده فی الکتابه التاريخیه الاسلامیه نوشته حسن سلهب: این کتاب به لحاظ موضوع و اهداف به نوشتار پیش رو بسیار نزدیک است؛ اما مسائل دیگری از تأثیر کلام در تاریخ‌نگاری را بررسی می‌کند. نویسنده در بخشی از کتاب با ارائه نمونه‌هایی از مباحث امامت و خلافت به مقایسه مطالب چند کتاب تاریخی الامامة و السیاسه، المنتظم و تاریخ یعقوبی پرداخته است. در بخش دیگر به بررسی نگاه کلامی فرقه‌شناسان به تاریخ چند فرقه شیعی می‌پردازد. در آن کتاب هیچ اشاره‌ای به سرفصل‌های مورد نظر ما نشده است.

۲. «نقش اندیشه‌های کلامی در تاریخ‌نگاری مسلمانان» نوشته علی کربلایی پازوکی: این مقاله در تلاش برای نشان دادن آمیختگی آموزه‌های کلامی با تاریخ در سه کتاب الارشاد، اعلام الوری و کشف الغمه برآمده است. نویسنده به رویکرد کلامی این سه کتاب تاریخی و مقایسه‌ای میان آنها می‌پردازد.

۳. «رابطه علم کلام با علم تاریخ»، گفتاری از محمدتقی سبحانی منتشرشده در جلد دوم مجموعه نشست‌های علمی انجمن تاریخ‌پژوهان با عنوان تاریخ در گذرگاه اندیشه: در این سخنرانی، از چهار دسته مباحث میان‌رشته‌ای تاریخ و کلام سخن گفته شده است: ماهیت‌شناسی، معرفت‌شناختی و باورشناختی تاریخ و دین و مباحث تاریخی باورها. مناظره‌ای علمی نیز با همین عنوان (رابطه علم تاریخ و کلام) بین محمدتقی سبحانی و مجید کافی درگرفته که در سایت سخن تاریخ در دسترس است.<sup>۴</sup>

۴. «ارزیابی گزاره‌های تاریخی در تعامل با فقه و کلام»، مصاحبه‌ای از محمدهادی یوسفی غروی درباره رابطه تاریخ با فقه و کلام.<sup>۵</sup>

۱. بیروت: مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامی برعاية جامعة المصطفى العالمیه، ۲۰۱۱م.

۲. مجله اندیشه نوین دینی، ش ۳، زمستان ۱۳۸۴.

۳. این سخنرانی علمی در سلسله نشست‌هایی در قم برگزار شده (قم: خاکریز، ۱۳۸۸).

4. <http://tarikhi.com/324-/1996>.

۵. مجله تاریخ در آینه پژوهش، ش ۶، تابستان ۱۳۸۴.

۵. «نسبت تاریخ‌شناسی و علم کلام در حوزه امام‌شناسی: مورد امام رضا (علیه‌السلام)»، مقاله‌ای از حسن حضرتی.<sup>۱</sup>

۶. مصاحبه‌های یکی از محققان پژوهش‌کننده تاریخ و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) با تعدادی از صاحب‌نظران علوم مختلف که هنوز به مرحله نشر نرسیده است: آن گفتگوها مباحث کلی از رابطه کلام و تاریخ را پی گرفته و به سرفصل‌های مورد نظر ما در این تحقیق نمی‌پردازد.

همه آثاری که ذکر شدند، ارزشمندند؛ اما مسئله آنها غیر از مسئله تحقیق حاضر است و رویکردی متفاوت داشته‌اند. این آثار غالباً طرح مشکل کرده و گاه نمونه‌هایی از دخالت اندیشه کلامی مورخان یا تعارضات گزاره‌های این دو علم آورده‌اند؛ ولی آنچه قرار است در اینجا بدان بپردازیم، نشان دادن گزارش‌هایی است که بر اساس احادیث کلامی تدوین شده و به عبارت دیگر به تاریخ راه یافته است. به دیگر سخن، نوشتار حاضر درصدد خردنگاری یا بیان مصادیق و مقایسه موردی تعدادی از گزارش‌های تاریخی با گزاره‌های عقیدتی است و این کار در هیچ‌یک از نوشته‌های بالا دیده نشد.

تذکر این نکته لازم است که نوشته حاضر وارد فلسفه تاریخ نخواهد شد. البته مباحث نظری و رابطه تاریخ و کلام در بخش مقدماتی به اشاره خواهد آمد.

### مشکلات و محدودیت‌ها

مشکل نخست نگارنده در تدوین این نوشتار، اختلاف نظر شدید در تعریف کلام، روشن نبودن موضوع این علم و ارتباط آن با اعتقاد و حدیث است. این موضوع در جای‌جای این نوشتار خود را نشان داده و هر بار به‌گونه‌ای از کلام و معتقدات تعبیر شده است؛ زیرا آنچه نگارنده در نظر داشت و تا پایان تحقیق به آن پایبند بود، عنوان «مبانی کلامی تاریخ‌نگاری اسلامی»<sup>۲</sup> بود؛ بدین معنا که مبانی و باورهای کلامی و اعتقادی مورخان در تدوین تاریخ چه نقشی ایفا کرده و چه اندازه تأثیرگذار بوده است؛ اما نظر برخی استادان بر آن بود که بسیاری از آنچه در اینجا

۱. برهان مبین (مجموعه مقالات علمی - پژوهشی همایش امام رضا (علیه‌السلام))، به کوشش صادق حیدری‌نیا و حسن عباسی، تهران: انتشارات فرهنگ و تمدن، ۱۳۹۱.

۲. این عنوان اگرچه تمامی بحث را پوشش نمی‌دهد و درباره همه مبانی بحث نمی‌کند، معتمد عنوانی زیباتر است و پیش‌درآمدی بر این بحث به شمار می‌رود.

بحث می‌شود، کلام رسمی نیست. از سوی دیگر عده‌ای حتی احادیث اعتقادی را کلام تلقی می‌کنند. در ادامه نوشتار، به توضیح بیشتر این مطلب خواهیم پرداخت. مشکل دیگر آنکه ارتباط تنگاتنگ و گاه پیچیده دانش‌های کلام، حدیث و تاریخ، گاهی منجر به دور میان گزاره کلامی و گزارش تاریخی می‌شود. از یک روایت که در تاریخ بیان شده و می‌توان آن را خبری تاریخی خواند، عقیده‌ای شکل می‌گیرد و گاه برعکس از یک عقیده، روایتی تاریخی بیان می‌شود؛ مثلاً اهل سنت به رسول خدا ﷺ نسبت می‌دهند که فرمود کسی را جانشین خود نکردم.<sup>۱</sup> آن‌گاه همین روایت منسوب، عقیده مهم آنان یعنی عدم تعیین جانشین توسط رسول خدا ﷺ را شکل می‌دهد. آن‌که در این عرصه قدم می‌گذارد و قلم می‌زند، پیوسته باید مراقب باشد گرفتار این دور آشکار نشود و این از مشکلات تحقیق حاضر است. مشکل دیگر آن است که بسیاری از باورهای مشهور، دیدگاهی کلامی و حتی قطعی تلقی می‌شود؛ در حالی که در کتب رسمی علم کلام وجود ندارد. بنابراین در نوشته حاضر بیش از آنکه سخن از کلام قطعی و گزاره‌های مورد اتفاق میان مسلمان باشد، به مشهورات کلامی برگرفته از احادیث بسنده شده است.

## بررسی منابع

در بحث حاضر، به جهت بین‌رشته‌ای بودن، از گونه‌های مختلف منابع استفاده شده است. مهم‌ترین آنها آثار حدیثی و کلامی و تاریخی‌اند. هریک از این گونه‌های منابع می‌تواند به دسته‌هایی تقسیم شود؛ مانند «حدیثی - کلامی» و «کلامی - تاریخی» در اینجا به اشاره از این منابع و گونه‌ها و زیرمجموعه‌های آن سخن می‌گوییم:

### ۱. منابع کلامی

در نوشتار حاضر، هر دو قسم کلام روایی و کلام نظریه‌پرداز مد نظر است و به مباحثی مانند عصمت و علم امام پرداخته خواهد شد. از این رو مراجعه به منابع اصیل کلامی لازم و جزئی از نوشتار است. از آنجا که بحث به مذهب خاصی اختصاص ندارد، به منابع کلام شیعه و سنی مراجعه شده است. تعیین برخی آثار به عنوان منبع رسمی کلام و مشخص بودن مرز کلامی و

۱. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۴۲۰.

غیرکلامی درباره یک اثر مشکل است؛ زیرا برخی منابع، با هدف تبیین کلام نوشته نشده‌اند؛ ولی از باورها و آرای کلامی و عقاید سخن می‌گویند یا در طول تاریخ اسلام به نام منبعی کلامی تلقی شده‌اند.

یکی از محدودیت‌های منابع در نوشتار پیش رو آن است که تنها بخشی از مباحث کتب کلامی را در بر می‌گیرد؛ زیرا هدف، آن دسته از مباحث کلامی است که با تاریخ ارتباطی نزدیک دارد. این مباحث عبارت‌اند از نبوت و امامت و برخی خرده‌باورهای عمومی که گاه در منابع اصلی کلام اسلامی یافت نمی‌شود و باید آن را در آثار دیگری همچون حدیث یا حتی تاریخ جستجو کرد. متکلمان بیشتر به موضوعاتی چون الهیات و صفات باری پرداخته‌اند که در این تحقیق بحثی از آنها نداریم.

پس بخش غالب پژوهش حاضر متوجه کلام نقلی است و منابع و آثار متکلمانی که فقط با رویکرد عقلی به کلام پرداخته‌اند، در اینجا موضوعیتی برای طرح ندارد.

اما کتبی که می‌تواند منبع این نوشتار باشد، به شرح زیر است:

۱. کمال الدین نه به عنوان اثری از شیخ صدوق، بلکه کتابی که مشتمل بر نظرات برخی متقدمان از اهل کلام مانند محمد بن عبدالرحمن رازی مشهور به ابن‌قبة درگذشته اوایل سده چهارم هجری است:<sup>۱</sup> در این کتاب، شیخ صدوق از نوشته‌های منتشر نشده ابن‌قبة پرده برداشته و بخش‌هایی از کتاب نقض الاشهاد و جواب‌های وی به زیدیان و دیگر فرقه‌ها را آورده است.<sup>۲</sup> شیخ صدوق همچنین متنی از ابوسهل نوبختی (م ۳۱۱) را در این کتاب آورده است.<sup>۳</sup>
۲. شیخ صدوق (م ۳۸۱) گرچه نزد برخی رسماً متکلم به شمار نمی‌رود، بلکه محدث است، آثاری در کلام و عقاید دارد و از این رو می‌توان او را متکلمی روایی محسوب کرد. وی علاوه بر کمال الدین که گفته شد در بردارنده مباحثی کلامی از دیگران و خود مؤلف است، در کتاب‌های التوحید، الهدایه و الاعتقادات به موضوع این دانش پرداخته است. از منابع مهم این نوشتار، آثار حدیثی - کلامی وی به خصوص کتاب الاعتقادات است که بخش‌هایی از آن مورد نقد شیخ مفید

---

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۷۵. نجاشی وی را متکلمی نیرومند در این فن معرفی می‌کند و می‌گوید بیشتر معتزلی بود. درباره تخمین زمان مرگ وی و آگاهی بیشتر از حیات و آرای او، ر.ک: میرزایی،

متکلمان شیعه: ابن‌قبة رازی، ص ۲۵-۴۲.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۵۱ و ۹۴.

۳. همان، ص ۸۸.

قرار گرفت. کتاب التوحید وی مباحث مرتبط به این نوشتار را ندارد. الهدایه رساله کوچکی است که هرچند به نبوت و امامت اشاره کرده، مطلبی متناسب با این تحقیق در بر نداشت.

۳. شیخ مفید (م ۴۱۳) از متکلمان بزرگ امامیه با آثار متعدد کلامی به صورت رساله‌هایی کوچک و بزرگ است. از این میان تصحیح الاعتقاد، اوائل المقالات، النکت فی مقدمات الاصول،<sup>۱</sup> الافصاح فی الامامه و المسائل الجارودیه با مباحث نوشتار حاضر درباره نبوت و امامت تناسب دارد. البته آثار کلامی شیخ مفید بسیار است که به مطالب گوناگونی می‌پردازد؛ برای مثال الفصول المختاره که سید مرتضی از کتاب العیون و المحاسن استادش شیخ مفید برگرفته و تنظیم کرده، مشتمل بر موضوعات مختلفی از جمله کلام است و مطالبی از آن نقل خواهد شد.

۴. سید مرتضی (م ۴۳۶) در رسائل خود به مسائل مختلفی پاسخ داده که بیشتر آنها فقهی است؛ اما بخشی هم کلامی و مرتبط به این نوشتار است. آغاز کتاب جمل العلم و العمل به مباحث کلامی پرداخته و از جمله درباره نبوت و امامت به اشاره سخن گفته است؛ همان‌گونه که فقهای متقدم در ابتدای کتب فقهی خود از اصول عقاید سخن گفته‌اند. بخش آخر کتاب تنزیه الانبیاء، «تنزیه الائمه» است و مطالبی درباره کلام و تاریخ ائمه (علیهم‌السلام) دارد که می‌تواند به این نوشتار کمک کند. الذخیره از آثار مهم کلامی سید است که به اصول پنج‌گانه از جمله نبوت و امامت پرداخته و مشتمل بر مباحث مورد نظر این نوشتار است. الملخص فقط به موضوع خداشناسی می‌پردازد. ولی الشافی درباره امامت است. متکلمان در مباحث امامت علاوه بر کلام، از تاریخ نیز سخن گفته‌اند.

۵. کتاب الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد اثر شیخ طوسی (م ۴۶۰) همانند دیگر آثار به مباحث خداشناسی، نبوت و امامت می‌پردازد که بخش‌هایی از آن مرتبط با بحث این پژوهش است. این بخش‌ها عبارت‌اند از معجزات، عصمت، برتری انبیا بر ملائکه، نص، نام امامان، صفات امام و باغیان بر امام. اینها مطالبی است که کتب کلامی شیعیان غالباً مطرح کرده‌اند، مگر آنکه اثر کلامی روش خاص و مباحث دیگری را در بر داشته باشد؛ مانند بحث از موجود و جوهر و عرض و صفات باری که این مباحث در نوشتار حاضر مطرح نیست و از این رو منابع آن مورد توجه نخواهد بود. تلخیص الشافی شیخ طوسی که خلاصه و افزوده‌هایی بر الشافی سید مرتضی است، به موضوع امامت اختصاص دارد.

۱. کتاب دیگری به نام النکت الاعتقادیه منسوب به شیخ مفید منتشر شده که از وی نیست (ر.ک: سلسله مؤلفات شیخ مفید، ج ۱۰، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق).



۶. تجرید الاعتقاد اثر عالم و متکلم مشهور شیعه خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲): این کتاب از شش مقصد تشکیل شده و به موضوعاتی چون جواهر و اعراض، اثبات صانع و صفات او، معاد و وعد و وعید می‌پردازد. مقصد چهارم و پنجم کتاب به نبوت و امامت اختصاص دارد و بخش‌هایی از آن به معجزات، ویژگی‌های پیامبر و امام، نص بر ائمه و عدم صلاحیت غیر آنان برای امامت می‌پردازد. از آنجاکه این قسمت‌ها وارد کلام نقلی شده و با تاریخ اسلام ارتباط دارد، منبع نوشتار پیش رو خواهد بود. شرح‌های بسیاری بر این کتاب نوشته شده که مشهورترین آن کشف المراد اثر علامه حلی (م ۷۲۶) فقیه و متکلم شیعی است.

۷. علامه حلی علاوه بر شرح تجرید کتاب‌های مستقل متعددی درباره کلام و اعتقادات دارد؛ مانند انوار الملکوت، الالفین، منهاج الکرامه، نهج الحق، منهاج الیقین و واجب الاعتقاد. در همه این آثار از نبوت و امامت بحث شده است.

در دوره‌های اخیر، موضوعات کلامی ریزتر به شکل مستقل بررسی و تدوین شده است؛ مانند علم امام اثر محمدحسین مظفر یا رساله‌هایی در این باره از دیگر عالمان و محققان. چنان‌که اشاره شد، بسیاری از آثار فقهی کهن، مشتمل بر مباحثی کلامی است که در ابتدای کتاب به عنوان فقه‌الاکبر یا اصول دین یا اصول عقاید آمده است؛ چون عالمان و فقیهان پیش از پرداختن به احکام، به اصول دین پرداخته و بخشی از کتاب خود را به این مباحث اختصاص داده‌اند.

تعدادی از کتب کلامی اهل سنت، عنوان «السنه» دارد. اصول السنه رساله کوچکی از ابن حنبل (م ۲۴۱)، صریح السنه نوشته طبری مورخ (م ۳۱۰) و السنه ابوبکر خلال (م ۳۱۱) از این جمله است.

اثر مهم دیگر در کلام اهل سنت العقیده الطحاویه نوشته ابوجعفر طحاوی حنفی (م ۳۲۱) است که شرح‌هایی بر آن نوشته‌اند. از آن جمله شرح العقیده الطحاویه اثر ابن‌ابی‌العز حنفی (م ۷۹۲) است.

برخی آثار اهل سنت در ملل و نحل نیز رویکرد کلامی دارد؛ مانند مقالات الاسلامیین اثر ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴).

غزالی (م ۵۰۵) کتاب الاقتصاد فی الاعتقاد را نوشت تا از افراط و تفریط در مسائل اعتقادی بازدارد؛ اما گویا خود نتوانست پیش‌فرض‌های مذهبی‌اش را ترک کند. بیشتر مباحث این کتاب

به الهیات می‌پردازد و تنها یک باب از آن مطالب کوتاهی درباره امامت دارد و از اعتقاد اهل سنت به خلفا و صحابه سخن می‌گوید.

ایجی (م ۷۵۶)، متکلم اشعری، کتاب المواقف فی الکلام را نوشت. موقف ششم کتاب، با عنوان «سمعیات»، به برخی مباحث مرتبط با این نوشتار می‌پردازد. کتاب دیگر وی درباره اعتقادات، العقائد العضدیه است. المواقف دارای شرح‌ها و حواشی متعددی است که مشهورترین آن شرح المواقف سیدشریف جرجانی (م ۸۱۶) است.

## ۲. منابع حدیثی

بیشتر مطالب نوشته حاضر متمرکز بر احادیث اعتقادی است که در منابع حدیثی یافت می‌شود. برخی از این منابع عنوان اعتقاد یا کلام دارند و برخی چنین نیست؛ مثلاً اعتقادات شیخ صدوق از منابع اصلی این نوشته است که عنوان حدیث ندارد؛ ولی مشتمل بر احادیث اعتقادی است. کتاب‌های بصائر الدرجات، کافی، اثبات الوصیه و احتجاج در ردیف بعدی هستند که احادیث فراوانی را درباره عقاید شیعه در بر دارند و تأثیری جدی در باورهای عمومی داشته‌اند؛ به‌طوری که امروز بخشی از مطالب آنها باور قطعی همانند کلام تلقی می‌شود.

مهم‌ترین کتب حدیثی استفاده‌شده در این نوشتار، کتب اربعه شیعه به‌خصوص الکافی و سپس امالی‌ها، جوامعی چون بحار و در اهل سنت، کتب صحاح و سنن و مسانید و آثارى همچون المصنف است. البته آثار حدیثی شیعه و سنی بسیار بیش از اینهاست؛ ولی آنچه نام برده شد، معتبرها یا مشهوراتی است که در دو فرقه محل مراجعه بوده و مقبولیت دارد. این آثار حدیثی گاه مشتمل بر کلام، تاریخ، مناقب و مثالب، روابط صاحبان فرقه‌ها به‌خصوص ائمه علیهم‌السلام و خلفا و شیعیان و اهل سنت است.

از این میان کتاب بصائر الدرجات و کافی، دو کتاب کهن و مشهور نزد شیعه، مشتمل بر مطالب بسیاری در کلام و عقاید است. پیش از این به کمال الدین و دیگر آثار حدیثی شیخ صدوق اشاره شد که دربردارنده این مباحث است؛ با این تفاوت که صدوق آثار کلامی هم دارد و کسی که در زمینه کلام اثری داشته باشد، وی را متکلم به‌شمار می‌آورند؛ اما صفار (م ۲۹۰) و کلینی (م ۳۲۹) فقط آثار حدیثی دارند و مطالب کلامی و عقاید را در قالب روایت بیان کرده‌اند. خزّاز، درگذشته اوایل قرن پنجم، محدث دیگری است که با تدوین کتاب کفایة الاثر به

جمع‌آوری احادیث کلامی و عقیدتی پرداخت. کتاب وی نخستین اثر مستقل درباره نام دوازده امام است که از مباحث مطرح در کلام امامیه بوده و متکلمان در آثار خود به این موضوع پرداخته‌اند؛ اما خزاز فقط به نقل حدیث پرداخته و کتابش از طرح مباحث عقلی خالی است. کتاب‌های بصائر الدرجات، کافی و کفایة الاثر از منابع مهم حدیثی اعتقادی این نوشتار به شمار می‌روند که بهره‌های فراوانی از آنها برده‌ایم. نگاه نگارنده این سطور به کتاب کافی، نگاهی از دیده اعتبار است؛ چون این کتاب جزء آثاری است که با دقت بیشتری تدوین شده و مؤلف آن به کار خود احاطه داشته است. بنابراین اصل بر پذیرش اخبار آن است، هرچند بخشی از روایات آن محل تأمل و گفتگوست.

### ۳. منابع تاریخی

ذیل بحث مفهوم‌شناسی خواهیم گفت که منابع تاریخی به چند دسته قابل تقسیم است: بخشی کتب تاریخی محض است و بخش دیگر کتب حدیثی است که مشحون از روایات شبه‌تاریخی است. منظور از شبه‌تاریخ آن است که از وقوع حادثه‌ای خبر می‌دهد؛ ولی شواهد و قراین و مسلمات تاریخی با آن همراهی نمی‌کند و مؤیدی در جاهای دیگر ندارد. کتاب‌هایی از دسته اول مانند کتب تاریخ عمومی و تاریخ خاص مانند سیره نبوی، صحابه‌نگاری، تاریخ خلفا، تاریخ ائمه علیهم‌السلام، جغرافیای تاریخی، تک‌نگاری، تراجم و شرح حال که در اینجا همه این آثار مد نظر است. از جمله آثار تاریخ عمومی مشهور که همه یا بیشتر این مباحث را در بر دارد، تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، مروج الذهب و کامل ابن اثیر است. از دسته دوم کتب دلایل‌نگاری و مناقب و مثالب است؛ مانند دلایل النبوه بیهقی و دلایل النبوه ابونعیم اصفهانی، دلایل الامامه منسوب به طبری شیعی، مناقب ابن شهر آشوب، الخرائج و الجرائح و دیگر آثار مشابه که در مذاهب مختلف اسلامی کم نیست. در ردیف آثار تاریخی از کتب ملل و نحل باید نام برد که هم تاریخ مذاهب را در بر دارد و هم باورهای فرقه‌ها را بیان می‌کند. برخی منابع ظاهراً حدیثی هستند؛ ولی تاریخ اندیشه‌ها و مذاهب به شمار می‌روند؛ مانند رجال کشی که در تاریخ تشیع و ائمه علیهم‌السلام و یاران آنها از اهمیت بسیاری برخوردار است، هرچند اشکال این کتاب آن است که بخشی از روایاتش منحصر به فرد است.

### کتاب تاریخی - کلامی<sup>۱</sup>

دسته‌ای از آثار مسلمانان با هدف تبیین و اثبات گزاره‌های کلامی به بیان رویدادهایی از تاریخ اسلام می‌پردازد. در میان شیعه، دو کتاب الارشاد و الجمل شیخ مفید این‌گونه است. ادامه نام این دو کتاب (الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره) نشان‌دهنده هدف کلامی اثبات امامت است؛ چنان‌که متن بسیاری از اخبار آن گویای این هدف است. بنابراین کمتر می‌توان از آثار تاریخی محض در بین شیعه نام برد؛ زیرا شیعیان موقعیت چندانی برای تاریخ‌نگاری نداشته یا چندان تمایلی به این کار نشان نمی‌دادند.<sup>۲</sup> ضمن اینکه کتب تاریخی غالباً به تاریخ سیاسی تبدیل شده و امامان چندان در عرصه سیاست حضور نداشته‌اند.

با احتساب ارشاد شیخ مفید، کتب مشابه آن اعلام الوری طبرسی و کشف الغمه اربلی و غالب کتب تاریخ ائمه علیهم‌السلام که شیعیان نوشته‌اند، در این ردیف یعنی کلامی - تاریخی قرار می‌گیرند؛ زیرا بیشتر مطالب این کتاب‌ها با رویکرد کلامی و با هدف اثبات برتری ائمه علیهم‌السلام برای امامت نوشته شده است. گزارش‌های تاریخی معمولاً از لابه‌لای دیگر اخبار و روایات این آثار استفاده می‌شود. باید اظهار تأسف کرد که شیعه کتب تاریخی محض یعنی آنچه فارغ از مباحث کلامی نوشته شده باشد و مصرف درون‌فرقه‌ای نداشته باشد، ندارد یا بسیار کم دارد و این نشان‌دهنده اهتمام نوزیدن شیعیان به این دانش است. کتبی مانند وقعه صفین از نصر بن مزاحم و تاریخ یعقوبی و به احتمال مروج الذهب مسعودی که با اختلاف و تردید شیعه دانسته می‌شوند، بر مرام بقیه مورخان نوشته شده و به‌ندرت مطالبی در تاریخ ائمه علیهم‌السلام (جز سه امام نخست) دارند.

از کتب متأخر تاریخی نیز باید یاد کرد که گاهی نکات درخور توجهی از باورهای شیعه را در قالب تاریخ‌نگاری بیان کرده‌اند؛ مانند منتهی الآمال محدث قمی و زندگانی امام زین‌العابدین از عبدالرزاق مقرر.

۱. این تعبیر برگرفته از کتاب منابع تاریخ اسلام استاد رسول جعفریان است. بنگرید به صفحات ۲۴۲ و ۲۴۳ این کتاب که از دو گونه کلامی - تاریخی و تاریخی - کلامی سخن می‌گوید.

۲. ر.ک: حسین حسینیان مقدم، تطورشناسی سیره‌نگاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.

## مفهوم‌شناسی

امروزه مباحث دین‌پژوهی غالباً در قالب یکی از رویکردهای چهارگانه می‌آید: وحيانی، تاریخی، فلسفی و عرفانی. نوشتار پیش رو با رویکردی تاریخی به بررسی بخشی از گزاره‌های اعتقادی مسلمانان می‌پردازد. بدین منظور لازم است مراد خود را از چند واژه روشن کنیم: کلام، عقاید، حدیث و تاریخ. ذیل این واژگان، اصطلاحات دیگری مانند محدث متکلم و متکلمان محدث هست که جایگاه مهمی در این بحث دارد و بدان اشاره خواهد شد.

### ۱-۲. کلام و عقاید

درباره علم کلام، همچون دیگر علوم، تعریف‌های گوناگونی وجود دارد. اختلاف نظر در بیان تعریف این دانش از قدیم تا امروز سبب شده است محدوده و موضوع علم کلام نیز با اختلاف نظر روبه‌رو شود. اینکه در دسته‌بندی علوم، عده‌ای کلام را به سمت و سوی مباحث فلسفی سوق داده یا برخی آن را به موجود اختصاص داده‌اند،<sup>۱</sup> سبب شده است بسیاری از موضوعات کلامی از این تعریف خارج شود و در پی آن بسیاری از جرگه متکلم بودن بیرون شوند. دخالت عقل و نقل به عنوان دو مقوله مهم در این دانش، اختلاف دیگری را رقم زده و سبب شده است گروهی از متکلمان که به یکی از این دو روش انحصار دارند، دیگران را متکلم ندانند؛ چنان‌که درباره متکلم بودن شیخ صدوق و بسیاری از محدثان که به مباحث اعتقادی می‌پردازند، اختلاف نظر است.

از همین‌جا اختلاف نظر دیگری ایجاد شده و آن تفاوت کلام و عقاید است. اگرچه غالب تعریف‌های علم کلام مشتمل بر واژه عقاید است و با استفاده از آن به تعریف کلام دست زده‌اند، برخی دیگر عقاید را فقط باورهایی می‌دانند که ربطی به کلام ندارد و دانش کلام متولی مسائلی فراتر از عقاید یعنی معرفت به جهان هستی است.<sup>۲</sup> از جمله تعاریف مختلف آن است که ایچی (م ۷۵۶) می‌گوید کلام دانشی است که انسان به وسیله آن قدرت می‌یابد از عقاید دینی خود دفاع کند و این از دوراه استدلال و دفع شبهات

---

۱. عالمان کهن دانش کلام، موضوع آن را موجود بماهو موجود دانسته‌اند که همان موضوع دانش فلسفه است؛ یعنی متکلم به اعم اشیا که وجود است، نظر دارد (ر.ک: تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۱، ص ۱۷۶).  
۲. درباره این اختلاف نظرها، ر.ک: فرامرز قراملکی، هندسه معرفتی کلام جدید، ص ۲۵-۳۴.

صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup> لاهیجی تعریف ایجی را پذیرفته است.<sup>۲</sup> برخی نیز با اشاره به این تعریف می‌گویند ظاهراً اختلاف چندانی در تعریف علم کلام نیست.<sup>۳</sup>

اما استرآبادی کلام را دانشی می‌داند که از حال مبدأ و معاد بحث کند، بر اساس قانون عقل که مطابق با نقل باشد و راه آن نظر و فکر است.<sup>۴</sup>

جرجانی (م ۸۱۶) می‌گوید کلام دانشی است که از ذات و صفات الهی و از احوال ممکنات از مبدأ و معاد بحث می‌کند، بر اساس قانون اسلام. آن‌گاه می‌گوید قید قانون اسلام برای احتراز از فلسفه است.<sup>۵</sup>

ابن خلدون (م ۸۰۸) در تعریف این علم، با اشاره به شمول آن بر استدلال برای اعتقادات دینی با استفاده از ادله عقلی، این را اضافه می‌کند که برای رد اهل بدعت و منحرفان از مذهب سلف و اهل سنت باشد.<sup>۶</sup> از این رو تعریف وی نقد و اعتراض‌هایی در پی داشته است.<sup>۷</sup>

تعریف‌های دیگری هم شده که نویسندگان آثار کلامی به آن اشاره کرده‌اند.<sup>۸</sup> از مجموع تعریف‌ها به دست می‌آید که دانش کلام سه ویژگی و مأموریت بر عهده دارد: تبیین، اثبات و دفع شبهه.<sup>۹</sup> برخی دو مقوله استنباط و تدوین را به این تعریف افزوده‌اند.<sup>۱۰</sup> قراملکی تعریف جامع و فراگیر برای این دانش را چنین بیان می‌کند: معرفت واسطه وحی به منزله کلام باری و ذهن مخاطبان

۱. ایجی، المواقف، ص ۷.

۲. فیاض لاهیجی، شوارق الالهام، ج ۱، ص ۳.

۳. میلانی، الامامة فی اهم الكتب الکلامیه، ص ۱۹؛ مظفر، دلائل الصدق، ص ۱۶-۱۷، مقدمه میلانی.

۴. الکلام علم باحث عن أحوال المبدأ و المعاد علی قانون العقل المطابق للنقل بطریق النظر و الفکر (استرآبادی، البراهین القاطعه، ص ۶۵).

۵. جرجانی، کتاب التعریفات، ص ۸۰؛ لاهیجی در گوهر مراد (ص ۴۳) با اشاره به این تعریف و قید اخیر می‌نویسد: چه موافقت قوانین شرع یعنی بنای ادله بر مقدمات مسلمة و مشهوره میان اهل شرع، در مفهوم حکمت معتبر نیست.

۶. ابن خلدون، مقدمه (جلد نخست از تاریخ ابن خلدون)، ص ۵۸۰. الفصل العاشر فی علم الکلام؛ هو علم يتضمّن الحجاج عن العقائد الإيمانيّة بالأدلة العقلية و الردّ علی المبتدعة المنحرفين فی الاعتقادات عن مذاهب السلف و أهل السّنة.

۷. ر.ک: تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۱، ص ۲۴، مقدمه عبدالرحمن عمیره.

۸. ر.ک: عاملی، علاقة التجريد، مقدمه حامد ناجی اصفهانی، ص شصت و سه و شصت و چهار؛ ربانی گلپایگانی، مدخل و درآمد علم کلام، ص ۳۹؛ خاتمی، فرهنگ علم کلام، ص ۹-۱۱.

۹. اوجبی، کلام جدید، ص ۱۸.

۱۰. سعیدی مهر، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۱۴.

است که به ترویج، آموزش و عرضه اندیشه و ایمان اسلامی می‌پردازد. تصحیح عقاید، توضیح مفاهیم، تبیین نظام‌مند باورها، اثبات تعالیم و دفع آرای معارض از لوازم این تعریف است.<sup>۱</sup>

این تبیین و اثبات با دوروش عقلی و نقلی (وحی) استوار می‌شود. در بخش‌هایی از کلام هر دو روش به کار می‌رود و در بخش‌هایی یکی از آنها.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر کلام به دو بخش عقلی و نقلی دسته‌بندی می‌شود. آنچه با بهره‌گیری از مقدمات صرفاً عقلی به نتیجه می‌رسد، کلام عقلی و آنچه با استفاده از نقل اثبات می‌شود، کلام نقلی است. اولی مانند توحید و نبوت و دومی موضوع امامت.<sup>۳</sup>

دانش کلام سابقه‌ای طولانی دارد و از سده نخست هجری در میان مسلمانان رواج یافت. امام صادق (علیه السلام) به عبدالرحمن بن حجاج فرمود: با مردم مدینه گفتگو و مباحثه کن.<sup>۴</sup> پس از مسائل سیاسی و موضوع امامت که منشأ اصلی این علم بود، کلام با مباحثی چون جبر و اختیار و ایمان و کفر آغاز شد و به تدریج گسترش یافت و موضوعات فراوانی را در بر گرفت. در زمان شیخ مفید، ساختمان این علم تکمیل و مباحث توحید تا معاد منظم و روشمند شد تا آنکه خواجه طوسی با تدوین تجرید الاعتقاد به دانش کلام نظم جدیدی بخشید.<sup>۵</sup>

گروهی از متکلمان اسلامی موضوع علم کلام را ذات الهی و صفات او دانسته‌اند؛ اما به نظر برخی دیگر موضوع این علم گسترده‌تر است و مباحث مختلفی از اصول اعتقادی را شامل می‌شود. از علم کلام با تعبیر مختلفی مانند علم اصول، اصول دین یا اعتقادات یاد می‌شود. اما تا آنجا که نگارنده کاوش کرد، در آثار مشهور علم کلام تفاوتی میان این دانش با واژه عقاید بیان نشده و نسبت این دو بررسی نشده است.

گاه در تعریف کلام از واژه «عقیده» استفاده یا دو اصطلاح کلام و عقاید بر یکدیگر اطلاق می‌شود؛ اما معنای دقیق کلام با عقاید متفاوت است. عقیده از ریشه «عقد» به باورها و اندیشه‌هایی گفته می‌شود که به انسان گره می‌خورد. عقیده می‌تواند درست یا نادرست، مطابق با واقع یا غیرمطابق با آن باشد.<sup>۶</sup>

۱. فرامرز قراملکی، هندسه معرفتی کلام جدید، ص ۱۱۱.

۲. سعیدی مهر، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۱۶.

۳. مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۲، ص ۲۱.

۴. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۴۲.

۵. جمعی از اساتید دانش کلام، سیر مطالعاتی عقاید و کلام اسلامی، ص ۹.

۶. محمدی ری‌شهری، دانشنامه عقاید اسلامی، ج ۱، ص ۱۲۷.

در نوشتار حاضر، هم از مباحثی که در دانش کلام بحث و بررسی شده و هم از باورها و عقایدی که غالب متکلمان بدان توجهی نداشته‌اند، سخن به میان می‌آید. بخش اول مباحثی مانند عصمت پیامبر و امام، عدالت صحابه، موضوع جانشینی و نص بر امامت، علم امام و برتری بر پیامبران است که در کتب کلامی درباره آنها گفتگو می‌شود. بخش دوم باورهایی است که در کتب حدیث شیعه و سنی مطرح شده و رنگ‌وبوی کلامی یافته است؛ اما در کتب رسمی متکلمان از آن بحث نمی‌شود. در پژوهش حاضر، این دسته از مباحث، بیشتر مد نظر است و مطرح می‌شود؛ مانند عدد انبیا و دین پدرانشان، گستره ولایت ائمه (علیهم‌السلام)، ترتیب برتری خلفا، چگونگی شهادت ائمه (علیهم‌السلام) و تجهیز آنان، هرچند متکلمان در کتب خود بدان پرداخته‌اند و فقط در کتب حدیثی آمده است. از این رو برخی از آن به «احادیث اعتقادی» تعبیر می‌کنند و آن را جزء کلام نمی‌دانند. برخی دیگر محدثان ناقل این روایات اعتقادی مانند شیخ صدوق، صفار و کلینی را متکلم می‌دانند. از این رو در سال‌های اخیر اصطلاح «محدث - متکلم» را برای این محدثان به کار می‌برند. در ادامه بحث مفاهیم، به توضیح این مفهوم خواهیم پرداخت.

بنابراین کاربرد واژه «متکلم» برای این افراد - دست‌کم نزد گروهی از محققان علم کلام - نادرست نیست و می‌توان از عنوان این پژوهش در جهت «مبانی کلامی تاریخ‌نگاری اسلامی» یاد کرد؛ برای نمونه به آثاری اشاره می‌کنم که کلام را همراه با احادیث اعتقادی آورده‌اند:

کتاب شیخ صدوق، از مجموعه متکلمان شیعه، نوشته سیدحسن طالقانی این عالم محدث را متکلم دانسته و درباره آثار و آرای کلامی وی بحث می‌کند؛ چنان‌که در مقاله «عقل‌گرایی شیخ صدوق و متکلم بودن او» نوشته رضا برنجکار و سیدمحسن موسوی،<sup>۱</sup> شیخ صدوق متکلمی عقل‌گرا معرفی می‌شود. در کتاب کلام نوین اسلامی اثر عبدالحسین خسروپناه بسیاری از مسائل کلامی با استفاده از منابع حدیثی تبیین شده است. محمدحسن قدردان ملکی در کتاب پاسخ به شبهات کلامی، بیشتر پاسخ‌های خود را با تکیه بر احادیث ارائه می‌کند. منابع اعتقادی اهل سنت نیز در این جهت تفاوتی با هم ندارند. در اصول السنه احمد بن حنبل که اعتقادنامه بسیار مختصری است، به احادیث بسیاری استناد شده است.

پس بخشی از دانش کلام اسلامی، عقاید و باورهای دینی و مذهبی برگرفته از اخبار و روایات است، هرچند این باورها نزد متکلمان، کلام قطعی تلقی نشود؛ چنان‌که مثلاً بخشی از

۱. مجله علوم حدیث، ش ۵۷، پاییز ۱۳۸۹.



این اعتقادات میان شیخ صدوق و شیخ مفید محل اختلاف است و به همین دلیل شیخ مفید نقدی بر اعتقادنامه شیخ صدوق نوشت و برخی از آنها را تأیید و برخی را رد کرد.

کلام شیعه از دوره‌ای با فلسفه آمیخته شد. به گفته یکی از متخصصان این علم، اگر بخواهیم متکلمان شیعه را برشماریم و مقصودمان همه کسانی باشد که درباره عقاید اسلامی شیعه تفکر عقلی داشته‌اند، هم جماعتی از روایان حدیث و هم جماعتی از فلاسفه شیعه را باید جزء آنها بدانیم؛ زیرا حدیث شیعه و فلسفه شیعه وظیفه علم کلام را بهتر از خود آن انجام داده‌اند.<sup>۱</sup>

در اینجا مناسب است به تفاوت پیش فرض و کلام اشاره شود؛ چون یکی از مباحث مطرح در علم تاریخ این است که مورخان پیش فرض‌های خود را در تاریخ دخالت می‌دهند. منظور از پیش فرض، اصلی است که ثابت انگاشته شده و معتقد بدان، آن را فراتر از اثبات و استدلال می‌داند و نیازی به اثبات در آن نمی‌بیند. پیش فرض اعم از کلام و عقیده است و می‌تواند هرگونه ذهنیت شخصی، مذهبی، زمانی، مکانی یا اعتقادی باشد.

عده‌ای سخت با دخالت یا تأثیرگذاری کلام و اعتقادات در تاریخ‌نگاری مخالف‌اند و هرگونه تمایل محقق و تحلیلگر تاریخ به منظور استفاده از داده‌های کلامی را انکار می‌کنند و ورود او به این دانش را نادرست می‌دانند. از سوی دیگر عده‌ای با استفاده از باورها اعم از ثابت شده یا مشهور، تاریخ را تحلیل می‌کنند و بر آن حاکم می‌دانند. اما سخن این است که آیا تاریخ‌نگاری بدون پیش فرض امکان‌پذیر است؟ برخی معتقدند چنین چیزی ممکن نیست و هر مورخی، خواسته یا ناخواسته، پیش فرض‌ها و ذهنیت‌های خود را در تاریخ دخالت می‌دهد؛ چنان‌که کسانی هستند که دخالت دادن پیش فرض‌ها در تاریخ را بدون اشکال می‌دانند. شاید بتوان گفت واقعیت خارجی آن است که کسی نتواند بدون هرگونه ذهنیت، تاریخ را نقل یا تحلیل کند.

### مرز کلام و کلام‌نما

علم کلام ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آن قطعیت و علم‌آور بودن است. آنچه کلام حقیقی است، با استدلال عقلی و گاه نقلی معتبر به نتیجه می‌رسد و ملاک دانش کلام را دارد و نمی‌توان در آن تردید کرد. اما بخشی از آنچه امروزه به عنوان کلام در دست ماست، حقیقی نیست و شرایط لازم را ندارد. از این‌رو شاید بتوان این علم را به دو قسمت کلام قطععی و

۱. ربانی گلپایگانی، مدخل و درآمد علم کلام، ص ۱۹۹-۲۰۰.

غیرقطعی دسته‌بندی کرد. قسم دوم مبتنی بر اخبار غیرمتواتر است. گاهی هم گزاره‌های تاریخی پیوندشده به کلام، نوعی کلام‌نماست.

واژه «کلام‌نما» در منابع و آثار نیامده است؛ ولی می‌توان جعل اصطلاح کرد و گفت منظور باورهایی است که در آثار و کتب رواج یافته است و آن را به عنوان آموزه‌ای کلامی ذکر کرده‌اند؛ حتی ممکن است به آثار متکلمان راه یافته باشد؛ درحالی‌که با معیارهای دانش کلام مانند دلایل عقلی یا نقلی معتبر ثابت نشده و پشتوانه آن فقط خبری واحد و بدون شواهد یا ضعیف است. بخشی از این گزاره‌ها، تاریخ پیوندخورده به کلام است؛ بدین معنا که حادثه‌ای رخ داده و به تدریج شکل باور گرفته است.

### ۳. محدثان متکلم

دو اصطلاح «محدث - متکلم» و «متکلم - محدث» در سال‌های اخیر به ادبیات محققان کلام وارد شد. این دو واژه می‌تواند عبارت دیگری از نص‌گرا و عقل‌گرا باشد. محدث متکلم به متن و نص معصوم اهتمام می‌ورزد؛ مانند صدوق که در اعتقادات با روایات سخن می‌گوید؛ اما متکلمان محدث مثل هشامین و مؤمن طاق، با آنکه خود راوی هستند، در تبیین مسائل کلامی نظریه‌پردازی می‌کنند و بیرون از متن روایت سخن می‌رانند.<sup>۱</sup>

در میان محدثان اسلامی که به حفظ و جمع‌آوری میراث و معارف دینی اهتمام گمارده‌اند، کسانی هستند که احادیث کلامی و اعتقادی را جمع‌آوری و دسته‌بندی و ارائه کرده‌اند. این گروه در میان اهل سنت مشخص هستند؛ زیرا متکلمان عقل‌گرای سنی، نیازی به نص و نقل در اثبات گزاره‌های کلامی نمی‌بینند و فقط اهل حدیث یا اشاعره در آثار خود به این موضوع توجه و اهتمام کرده‌اند. تقابل حدیث‌گرایی و عقل‌گرایی، جامعه اهل سنت را به دو قطب جدا از همدیگر تبدیل کرده است. عده‌ای به عقل و عده‌ای به نقل توجه دارند و هر یک خود را از دیگری بی‌نیاز می‌دانند؛ اما در میان شیعه چنین نیست و متکلمان شیعه هیچ‌گاه خود را از دو روش وحیانی و عقلانی بی‌نیاز ندانسته‌اند و از هر دو در کنار هم برای استدلال‌های کلامی بهره برده‌اند.<sup>۲</sup>

به نظر دسته‌ای از محققان، گروهی از اصحاب و راویان ائمه علیهم‌السلام که در منابع رجالی با عنوان

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، نقد و نظر، ش ۶۵، به‌ویژه ص ۲۷.

۲. ر.ک: اقوام کرباسی، «مدرسه کلامی کوفه»، نقد و نظر، ش ۶۵، ص ۴۶.

فقیه و محدث معرفی شده‌اند، متکلم نیز بوده‌اند و با محدثان صرف تفاوت دارند. شاهد این امر، مناظره‌ها، پرسش‌های اعتقادی و نگاه‌های اعتقادی برجای مانده از این افراد است. برخی از اینان عبارت‌اند از: ابان بن تغلب، محمد بن مسلم، سماعة بن مهران، صفوان بن یحیی، ابن‌اذینه، ابن‌مسکان و حسن بن محبوب.<sup>۱</sup>

جریان حدیثی - کلامی یا محدثان متکلم در عصر ائمه (علیهم‌السلام) همگام با جریان کلامی حضور داشت و راویان و اصحاب ائمه (علیهم‌السلام) را هر دو گروه در بر می‌گرفت. محدثان متکلم از ورود به عرصه‌های کلامی خارج از نص پرهیز می‌کردند و در قالب نقل میراث حدیثی به تبیین مبانی کلامی می‌پرداختند.<sup>۲</sup>

محدثانی چون صفار، صدوق، کلینی و خزّاز را باید از محدثان متکلم به شمار آورد که آثار آنان بصائر الدرجات، الاعتقادات، کافی و کفایة الاثر نمونه بارز احادیث اعتقادی است و نقش بسیاری در کلام و باورهای شیعه ایفا کرده است.

#### ۴. تاریخ

از واژه «تاریخ» می‌توان معانی مختلفی اراده کرد که هر یک مفهوم خاصی دارد؛ مانند دانش تاریخ، حوادث و رویدادهای گذشته، اخبار و گزارش‌های تاریخی. در این نوشتار، بیشتر معنای اخیر مورد نظر است. منابعی که اخبار و روایات را ذکر کرده‌اند، متفاوت و دو دسته‌اند: برخی از آنها کتب تاریخی محض است که بر اساس روش تاریخی و مستند به دیده‌ها یا شنیده‌های افراد نقل شده و دسته دیگر فقط روایاتی است که حکایتگر یک واقعه است. از دسته اول می‌توان تاریخ طبری و تاریخ یعقوبی و مروج الذهب مسعودی را مثال زد. دسته دوم مانند دلائل النبوه بیهقی و دلائل الامامه منسوب به طبری شیعی و کتب مناقب که در ظاهر روایتی از تاریخ را نقل کرده‌اند؛ اما نیاز به بررسی و مقایسه با واقع خارجی دارند؛ به‌گونه‌ای که بتوان آنها را به عنوان حادثه‌ای اثبات کرد. در این تحقیق، هر دو دسته کتب تاریخی مورد نظر است. در نگاه سنتی، چه از سوی شیعه و چه اهل سنت، آثار روایی، درون‌مذهبی به شمار

۱. منصوری راد، «شاخصه‌های کلام‌ورزی جریان محدث متکلمان در مدرسه کلامی کوفه»، دوفصلنامه کلام اهل‌بیت، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۷۱-۸۹.  
 ۲. طالقانی، «مدرسه کلامی قم»، نقد و نظر، ش ۶۵، ص ۶۸.

می‌روند؛ مثلاً کتب اربعه فقط نزد شیعیان معتبر است و صحاح سته فقط نزد اهل سنت. کتب تاریخی نیز به دلیل آنکه بیشتر به دست مورخان و محدثان غیر شیعه نوشته شده است، نزد شیعیان جایگاهی ندارد؛ حتی کتابی چون بحار الانوار بر منابع نخست تاریخی ترجیح دارد. اما از نگاه نوشته حاضر، هر خبر و روایتی که رویدادی را روایت کند، تاریخی به شمار می‌رود و اعتبار آن نیز به اثبات شواهد و قراین است، نه فقط منبع یا راوی آن. بنابراین ممکن است حتی روایتی که ظاهراً سند صحیح دارد و راویان آن ثقه هستند، در آزمون سنجۀ شواهد و قراین، از اعتبار بیفتند. نیازی به تأکید این نکته نیست که قدمت منبع، امتیاز خود را دارد و هرچه از صدر اسلام دور می‌شویم، از اعتبار منابع کاسته می‌شود. از این رو به کتابی که در قرن هفتم به بعد، خبری از صدر اسلام یا عصر حضور را روایت کند، چندان اعتمادی نخواهیم داشت. قرن هفتم، تقریبی و تسامحی است و منظور آن است که فاصله طولانی با اصل واقعه، روایت را با احتمال جعل و تحریف، بیش از پیش روبه‌رو می‌کند.

در این نوشتار، واژه‌های «خبر»، «روایت»، «گزارش» و «نقل تاریخی» مرادف گرفته می‌شوند، اگرچه معنای دقیق آنها متفاوت است. در این میان واژه «حدیث» بیشتر به سخن معصوم اطلاق شده است.

## فصل دوم

### رابطه کلام و تاریخ

#### گفتار اول: عرصه‌های تعامل

پیشرفت علوم سبب رواج مباحث میان‌رشته‌ای می‌شود و به نیاز آنها به تعامل با یکدیگر ضرورت بیشتری می‌بخشد. در موضوع ارتباط کلام و تاریخ، برخی معتقدند اصل دین و حقایق دینی تاریخ‌پذیر نیستند؛ مثلاً گروهی از متکلمان مسیحی به کشته شدن حضرت عیسی علیه السلام و بر صلیب شدن او از منظر تاریخی نمی‌نگرند و اگر در آن هم تردید شود، به اعتقاد آنان لطمه‌ای نمی‌زند؛ زیرا می‌گویند متعلق ایمان، امری تاریخی نیست.<sup>۱</sup> پیش‌فرض ما این است که همه حقایق اسلامی امکان تاریخ‌پذیری دارند و هر اعتقادی می‌تواند با واقعیت خارجی تطبیق کند و شواهدی داشته باشد؛ حتی وحی که حقیقتی مشهود نیست، در ظاهر رسول‌الله صلی الله علیه و آله آشکار شده و مسلمانان از تغییر حالات ایشان که نشان‌دهنده نزول جبرئیل بر او بوده، متوجه وحی می‌شدند. همچنین اگر جنبه فرابشری انسانی پذیرفته شود، می‌توان آن را با گزارش‌های تاریخی نشان داد و آن چیزی نیست که از دید ناظران مخفی مانده باشد. اگر حوادث طبیعی و خوارق عادت برای شخصی که عده‌ای از مسلمانان او را محترم می‌شمارند و پیشوا یا بزرگ خود می‌دانند، رخ داده است، حتماً در حضور افرادی اتفاق افتاده است.

تعامل و نیاز دو علم تاریخ و کلام همیشه و از گذشته‌های دور وجود داشته است. غالباً مورخان از دیدگاه‌های کلامی خود برای عبور از تنگناهای مباحث تاریخ استفاده می‌کنند؛ اما گاهی هم گفته می‌شود که دست‌کم در مباحث تاریخ امامت، هنگام تعارض داده‌های دو علم، رجحان و اصالت با

---

۱. سبحانی، «رابطه کلام با تاریخ»، ج ۲، ص ۴۰.

رویکرد تاریخی است و در حوزه امام‌شناسی، دانش کلام ذیل تاریخ‌شناسی قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> به منظور تبیین این نیاز طرفینی، بهتر است با کمک گرفتن از مصادیق سخن گفته شود.

### الف) نیاز کلام به تاریخ

بخش بزرگی از دانش کلام بر پایه عقل و استدلال‌های عقلی شکل می‌گیرد. اما بخش دیگری که به نقل وابسته است، نیازمند علم تاریخ و گزارش‌هایی است که از انبیا و ائمه (علیهم‌السلام) یا دیگر شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ به ما رسیده است. بنابراین در مباحث نبوت و امامت حضور علم تاریخ مشهود است. نمونه‌ای از این استدلال‌ها در کتب کلامی یا اعتقادی چنین است:

الف) شیخ صدوق (م ۳۸۱) در کتاب اعتقادات، مستند بیشتر مسائل کلامی را روایات ائمه (علیهم‌السلام) قرار داده که در واقع نقل‌هایی تاریخی به شمار می‌روند. بخشی نیز گزارش‌های صریح تاریخی است؛ مثلاً درباره قضا و قدر به روایاتی از امام صادق (علیه‌السلام) و امیر مؤمنان (علیه‌السلام) استناد کرده و از جمله می‌گوید: امیر مؤمنان (علیه‌السلام) از کنار دیوار خرابی جابه‌جا شد و فرمود از قضای الهی به قدر او می‌گیریم؛<sup>۲</sup>

ب) شیخ مفید (م ۴۱۳) در استدلال بر اینکه اموات سخن دیگران را می‌شنوند، به گفتگوی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و علی (علیه‌السلام) با مقتولان در جنگ بدر و جمل استناد کرده است؛<sup>۳</sup>

ج) علامه حلی (م ۷۲۶) در موارد متعددی از کتاب کلامی خود به گزارش‌های تاریخی استناد کرده است: استدلال بر ادعای نبوت از سوی پیامبر همراه با معجزات، نصوص امامت مانند حدیث غدیر و ادله بر عدم شایستگی دیگران برای امامت. این استنادات، بیش از نیمی از مطالب بخش امامت کشف المراد را در بر گرفته است. در این کتاب، مطالب امامت از صفحه ۳۶۲ تا ۳۹۸ است و استنادهای تاریخی از صفحه ۳۶۷ آغاز می‌شود و تا پایان این بخش را در بر دارد. برخی عناوین این‌گونه است: «امر عمر برجم امرأة حامل»، «تَشَكَّكَ فِي مَوْتِ النَّبِيِّ»، «عَلِيٌّ أَفْضَلُ لِكثْرَةِ جِهَادِهِ»، «كَانَ أَزْهَدُ النَّاسِ بَعْدَ النَّبِيِّ» و «خَبَرُ الطَّائِرِ وَالْمَنْزِلَةِ»؛<sup>۴</sup>

۱. ر. ک: حضرتی، «نسبت تاریخ‌شناسی و علم کلام در حوزه امام‌شناسی» (فرجام سخن)، برهان مبین (مجموعه مقالات همایش امام رضا (علیه‌السلام))، تهران: انتشارات فرهنگ و تمدن، ۱۳۹۱.

۲. صدوق، الاعتقادات، ص ۳۵.

۳. مفید، تصحیح الاعتقاد، ص ۹۲-۹۳.

۴. حلی، کشف المراد، ص ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۶ و ۳۹۳.